بازخوانی کارنامه صنعتی تاجری که سال‌ها جلوتر از زمانه خودش بود

حاج کاظم کوزه‌کنانی؛ مردی فراتر از تقویم

سیده نعیمه زینبی | **قصه حاج کاظم و مشهد از روزهای انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی در روسیه ریشه می‌گیرد. حاج کاظم علی‌اصغراُف با چهل سال سابقه تجارت در ترکستان، با رسیدن بلشویک‌ها و آغاز ناامنی، از بازار آسیای میانه چشم می‌پوشد و راهی مشهد می‌شود. این دومین کوچ زندگی اوست؛ بار نخست در دوره قاجار همراه پدر از ایران به روسیه می‌رود. این تاجر در میان‌سالی با اعتباری حدود ۴ میلیون تومان وارد مشهد می‌شود. هرچند بخشی از سرمایه‌اش، از جمله هزاران پوط پنبه، در بخارا مصادره می‌شود اما سرمایه راستین و آورده واقعی او به شهر نه پول نقد، بلکه اعتبار تجاری، هوشمندی و شناخت نبض بازار است. حاج کاظم دلیل بازگشت را خدمت به وطن می‌داند، اما حفظ باقی‌مانده دارایی در آشوب روسیه نیز انگیزه‌ای انکارناپذیر برای این مرد است. البته این مهاجرت برای مشهد هم که پس از جنگ جهانی اول و سقوط ارزش منات تزاری آشفته‌حال مانده، خوش‌یمن است. حاج کاظم اعتنایی به پریشانی بازار ندارد. او در مشهد به اسم روستای محل تولدش «کوزه‌کنانی» شهرت می‌یابد و تابلوی تجارت‌خانه‌اش هم با همین نام بالا می‌رود. آنچه این گزارش به دنبال آن می‌گردد، روحیه تولیدپسند حاج کاظم است که برخلاف بیشتر تجار شهر- که در بند واردات و صادرات سنتی مانده‌اند- در سودای تولید صنعتی و واردات ماشین‌آلات نوین است؛ تلاشی که پس از بارها ناکامی، سرانجام صدای چرخ‌دنده‌های تولید را در چند کارخانه شهر طنین‌انداز می‌کند. از آنجا که حوزه فعالیت اقتصادی تجارت‌خانه کوزه‌کنانی بسیار گسترده است، قصه امروز محدود به روایت کارخانه‌هایی است که کوزه‌کنانی در شهر می‌سازد و آن‌ها که در حسرت ساختنشان می‌ماند!**

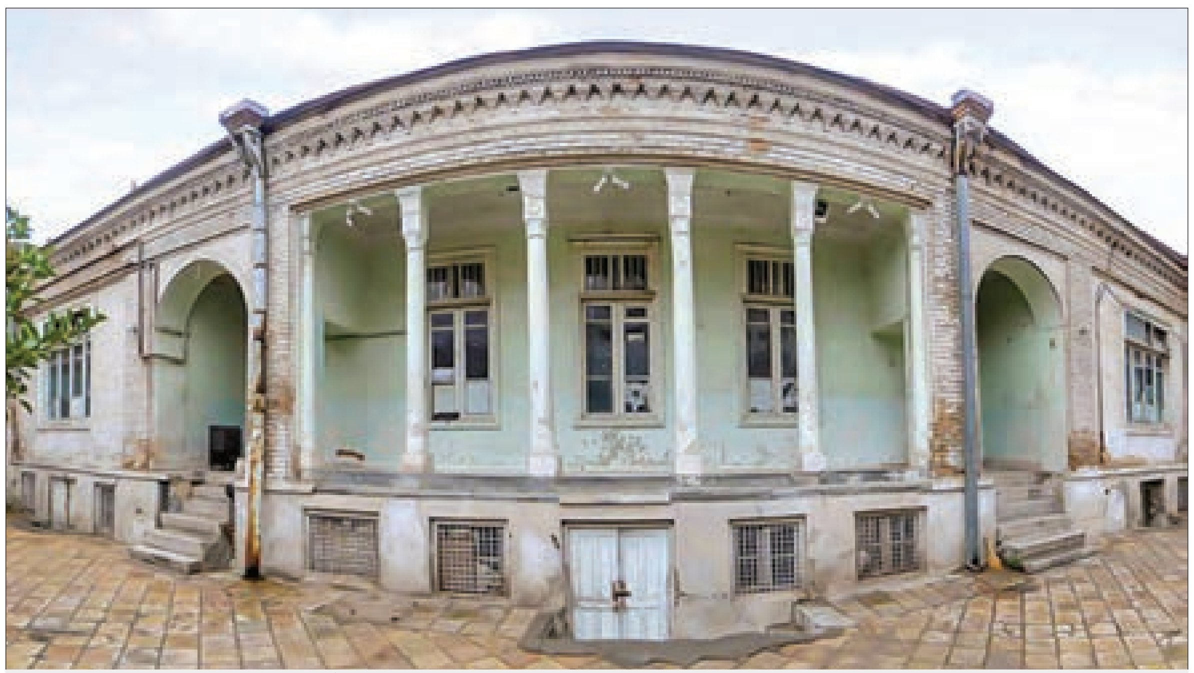

نمایی از خانه کوزه‌کنانی؛ این خانه که اکنون بزرگ‌ترین خانه تاریخی مشهد است تنها یادگار باقی‌مانده از آقای کوزه‌کنانی به شمار می‌رود و متأسفانه تصویری از خود او یا کارخانه‌هایش وجود ندارد

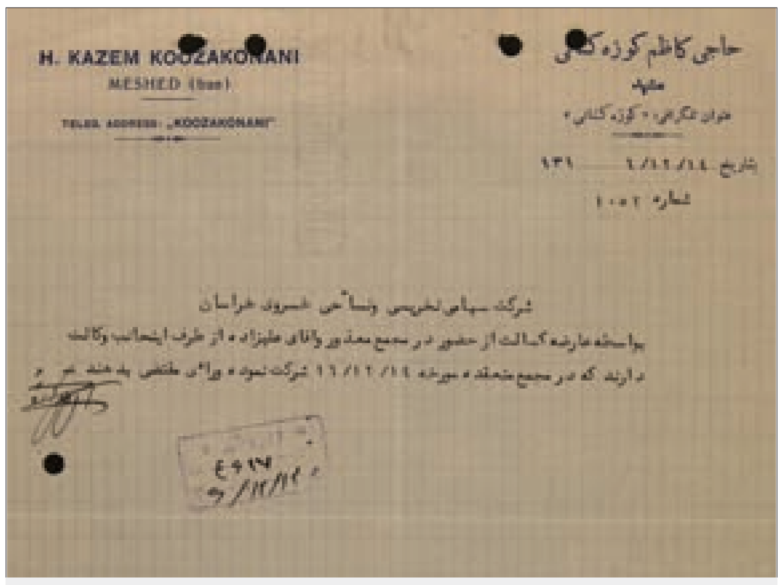

H. KAZEM KOOZAKONANI
MESHED (Iran)
TELEG. ADDRESS: „KOOZAKONANI"

حاجی کاظم کوزه کنانی
مشهد
عنوان تلگرافی «کوزه کنانی»
تاریخ ۱۶/۱۲/۱۴ ۱۳۱
شماره ۱۰۰۲

شرکت سهامی نخریسی و نساجی خسروی خراسان

تصویری از سربرگ تجارت خانه حاج کاظم کوزه‌کنانی

اولین شکست‌ها و تجربه سفر اروپا

حاج کاظم کوزه‌کنانی خیلی جلوتر از زمانه خودش پیش می‌رود؛ زمانی که همه فقط به تجارت می‌اندیشند، او به تولید فکر می‌کند و البته سود خود را هم در همین چرخ‌های تولید می‌جوید. در این میان، دست به تلاش‌های فراوانی می‌زند که بسیاری از آن‌ها به نتیجه نمی‌رسد و تقاضاهایش از سوی دولت با درِ بسته روبه‌رو می‌شود، اما او آن‌قدر ادامه می‌دهد تا بالاخره پای چند کارخانه را به مشهد باز کند.
در میان اسناد برجای‌مانده از سال ۱۳۰۳ خورشیدی، برگ‌هایی هست که نشان می‌دهد حاج کاظم به دنبال دریافت امتیاز انحصار کارخانه پارچه‌بافی ایالت خراسان است. «دِرمَنه» گیاهی خودرو و دارویی در نواحی شاهرود و دامغان است که حیوانات رغبتی به خوردنش ندارند. حاج کاظم با تیزبینی به دنبال راه‌اندازی خط روغن‌کشی از دانه این گیاه می‌رود و تعهد می‌دهد که از سود آن، سالانه ۵ هزار تومان به خزانه دولت بپردازد و جمع بزرگی از بیکاران را مشغول به کار کند. وارد کردن کارخانه نخ‌ریسی و متقال‌بافی نیز خواسته دیگر اوست تا ۳۰۰ کارگر را به کار بگمارد.
روزنامه «خورشید» در نهم مهرماه ۱۳۰۴، خبر ورود این کارخانه توسط حاج کاظم را منتشر می‌کند و آن را گامی به نفع عموم می‌داند. در فهرست بلندبالای کارخانه‌هایی که کوزه‌کنانی موفق به ساختنشان نمی‌شود، این سه کارخانه در سرآغاز همت او برای تولید جای دارند؛ طرح‌هایی که اگر هرکدام به راه می‌افتاد، تاریخ صنعتی شهر را دگرگون می‌کرد. تصور کنید اگر نخستین کارخانه نساجی شهر، یعنی نخ‌ریسی خسروی، ۱۰ سال زودتر از موعد به مشهد می‌آمد و برای شهر روشنایی و رونق می‌آورد، تقویم صنعتی مشهد چقدر جابه‌جا می‌شد!
اما کار به این سادگی‌ها پیش نمی‌رود؛ رقبای خارجی به این آسانی میدان را به این تاجر تازه‌نفس واگذار نمی‌کنند. شرکت آلمانی «روبرت وُنکهوس و شرکا» (ونکهاوس) مقیم مشهد، گزارش این اقدامات را به سفارت آلمان می‌فرستد. آن‌ها نگران‌اند که با ورود کوزه‌کنانی به عرصه واردات و انحصار کارخانجات نساجی، بازار انحصاری فروش ماشین‌آلاتشان آسیب ببیند. سفارت آلمان از وزارت امور خارجه ایران می‌خواهد مانع اعطای این امتیازات شود؛ درخواستی که دست‌آخر تیر کوزه‌کنانی را به سنگ می‌زند و دولت به او پاسخ منفی می‌دهد.
در سال ۱۳۰۵ خورشیدی، او راهی سفری دور و دراز به اروپا می‌شود تا از نزدیک با کارخانه‌ها و فناوری‌های نوین آشنا شود؛ سفری که دستاوردهای پرباری برای مشهد دارد. طبق گزارش روزنامه «آزادی»، حاج کاظم در ۲۱ آذرماه ۱۳۰۵، پس از سفری بیست‌ماهه به مشهد بازمی‌گردد. سوغات این سفر، ورود کارخانه‌های مهم سیگارپیچی، مولد چراغ برق، ریسمان‌بافی و تجهیزات تعمیر اتومبیل است. جراید محلی از این اقدامات ابراز شادمانی می‌کنند و از دولت می‌خواهند این تاجر پیشرو را برای آبادانی وطن تشویق کند.

کارخانه‌ای برای راه‌اندازی صنعت!

گام بعدی، تولید برق از نیروی آب است تا چرخ کارخانه‌هایش با انرژی ارزان بچرخد. او از حدود سال ۱۳۰۴ پیگیر گرفتن امتیاز احداث سد در اطراف مشهد می‌شود. طبق گزارش جریده «خورشید»، در همان سال‌ها مهندسی را به دشت‌ها و کوهپایه‌های اطراف می‌فرستد تا مکان مناسبی با فشار آب کافی برای نصب توربین برق بیابد. کوزه‌کنانی سه سال بعد پیشنهاد دریافت امتیاز سدی در نیشابور را روی میز دولت می‌گذارد و در ۹ مرداد ۱۳۰۷ امتیاز آن را از مجلس شورای ملی می‌گیرد.
مجلس ساخت سد «فاروب رومان» در اراضی شمال نیشابور را به مدت چهل سال به حاج کاظم واگذار می‌کند. طبق قرارداد، سه درصد از عایدات خالص کارخانجاتی که با نیروی محرکه این سد به راه می‌افتند باید به خزانه دولت واریز شود. سرانجام این امتیاز بزرگ در هاله‌ای از ابهام می‌ماند و رؤیای سدسازی پیرمرد روی کاغذ خاموش می‌شود. در پیشرو بودن این مرد همین بس که اگر همین یک ایده حدود یک قرن پیش محقق می‌شد، جهش بزرگی در تأمین انرژی منطقه رخ می‌داد.
با ناکامی در سدسازی، او بی‌درنگ به سراغ خرید یک کارخانه تولید برق می‌رود؛ مولدی که می‌تواند تا ۱۲هزار شعله چراغ را در شهر روشن کند. طبق اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی، کوزه‌کنانی این مولد برق را- که یک ژنراتور چهار سیلندر با دینام ۲۲۰ ولت است- در دی‌ماه ۱۳۰۹ به آستان قدس واگذار می‌کند تا به مجموعه روشنایی حرم افزوده شود. با وجود واگذاری این مولد، سایر تأسیسات صنعتی کوزه‌کنانی همچنان با نیروی برق اختصاصی به کار خود ادامه می‌دهند.

شکلاتی که در یادها ماند!

کارخانه شکلات‌سازی «گلزار» یکی از درخشان‌ترین واحدهای تولیدی است که حاج کاظم آن را به مشهد می‌آورد و با مدیریت متخصصان فنی راه می‌اندازد؛ مجموعه‌ای مجهز به ماشین‌های روغن‌گیری هیدرولیک، دیگ‌های پخت، دستگاه‌های تجزیه و فراوری استاندارد مواد اولیه. تمام خطوط این کارخانه با نیروی برق کار می‌کند و محصولاتی به دست مشتری می‌رساند که با مرغوب‌ترین شکلات‌های اروپایی رقابت می‌کند.
این کارخانه در سال ۱۳۱۳ خورشیدی روزانه حدود پنجاه مَن انواع شکلات تولید می‌کند و ظرفیت اسمی آن تا یک خروار در روز می‌رسد. مغازه شکلات‌فروشی و داروخانه شاهرضا در مشهد و فروشگاه «زنبور عسل» در تهران، نمایندگی‌های پخش این محصول پرطرفدار هستند. کوزه‌کنانی در نمایشگاه‌های کالای وطنی تهران و مشهد همواره غرفه‌ای مجلل برپا می‌کند. در نمایشگاه کالای خراسان در سال ۱۳۱۳، حتی رضاشاه از غرفه او بازدید می‌کند و کیفیت شکلات‌ها را جویا می‌شود. این کارخانه پس از درگذشت حاج کاظم در سال ۱۳۱۶، توسط وراث به «افخمی تبریزی» مالک قنادی اتحاد واگذار می‌شود؛ معامله‌ای که روزنامه «شهامت» خبر آن را پوشش می‌دهد. جالب آنکه نام تجاری «گلزار» پس از واگذاری نیز حفظ می‌شود تا برندی که جای خود را در ذائقه مردم باز کرده، همچنان زنده بماند.

سیگار برگ در دستان تاجر مشهدی!

کارخانه سیگارسازی «طلوع شرق» از دیگر صنایعی است که این تاجر زبده به شهر می‌آورد. روزنامه «آزادی» در ۲۱ آذرماه ۱۳۰۵ به ورود این کارخانه اشاره می‌کند؛ مجموعه‌ای کامل که علاوه بر خط توتون‌بری و سیگارپرکنی، دستگاه‌های چاپ مشتوک (چوب سیگار)، نجاری و مقواسازی برای قوطی‌های سیگار را نیز در خود دارد. مطبوعات در ابتدا اعلام می‌کنند این کارخانه می‌تواند روزانه یک میلیون نخ سیگار بسازد و ۲۰۰ کارگر را مشغول کند.
البته در این میان روایتی اخلاقی هم ثبت می‌شود؛ طبق گزارش روزنامه «خورشید»، حاج کاظم در آستانه امضای قرارداد دچار تردید می‌شود، چرا که نگران است ورود این خط اتوماتیک، جمعی از کودکان و جوانان سیگارپیچ سنتی را بیکار کند. اما این تردید دیری نمی‌پاید و او خط تولید را از بندر هامبورگ آلمان می‌خرد؛ خطی شامل دو دستگاه توتون‌بری، چهار دستگاه سیگارپرکنی مدرن و دوازده دستگاه قوطی‌سازی برقی.
ماشین‌آلات تا سال ۱۳۰۹ به مشهد می‌رسد و نصب می‌شود و حتی یک بار آزمایشی راه می‌افتد، اما به دلیل نبود مکانیک متخصص مدتی خاموش می‌ماند تا اینکه در سال ۱۳۱۲ رسما وارد مدار تولید می‌شود. بر اساس گزارش‌های بازرسان اداره دخانیات خراسان، کارخانه روزانه با تیراژ حدود ۲۰ هزار نخ کار می‌کند که هرچند با ظرفیت اسمی فاصله دارد، اما نیاز عمده بازار را پاسخ می‌دهد. این کارخانه در خارج از دروازه ارگ مستقر است و دستگاه توتون‌بری آن چنان بی‌نظیر است که علاوه بر نیاز خود، توتون سیگار سایر تولیدکنندگان شهر را نیز زیر نظر مأمور دخانیات خرد می‌کند. توتون مرغوب این کارخانه از ترکیه وارد می‌شود و علاوه بر سیگار معمولی، سیگار برگ باکیفیت نیز تولید می‌کند تا جایگزین برندهای خارجی شود. این کارخانه سرانجام در سال ۱۳۱۸ خورشیدی به اداره املاک اختصاصی فریمان فروخته می‌شود.

طلای پشمی در دستان کوزه‌کنانی

حاج کاظم که سال‌ها در بازار بخارا زیسته، ارزش استراتژیک «پوست قره‌گل» را در اقتصاد جهانی به خوبی می‌شناسد؛ پوستی گران‌قیمت که اعیان فرنگ برای پالتو و کلاه‌هایشان سرودست می‌شکنند. اما روحیه تولیدپسند او به صادرات سنتی و خرید چند تخته پوست از واسطه‌ها رضایت نمی‌دهد. کوزه‌کنانی در اقدامی بزرگ و کم‌سابقه، در تیرماه ۱۳۱۳ خورشیدی مجوز ورود ۵ هزار رأس گوسفند قره‌گل اصیل را از دولت افغانستان می‌گیرد و با انتقال آن‌ها به مراتع خراسان و سرخس، بزرگ‌ترین پروژه پرورش و اصلاح نژاد دام را برای تولید صنعتی پوست کلید می‌زند.
پیرمرد برای این کارگاه بزرگ طبیعی، فرایندی استاندارد می‌چیند؛ از نظارت بر تکثیر نژاد تا ایجاد کارگاه‌های سورت، عمل‌آوری و پوست‌کنی مدرن. او مرغوب‌ترین پوست مجعد صادراتی را تولید می‌کند تا مستقیما روانه بازارهای بین‌المللی شود. برخلاف بسیاری از طرح‌های صنعتی که در کش‌وقوس دیوان‌سالاری نافرجام می‌ماند، چرخه تولید پوست قره‌گل با درایت او به بار می‌نشیند و این تجارت‌خانه را به قطب بی‌رقیب تولید و فراوری پوست در شرق کشور بدل می‌سازد.

ریسمانی که کوزه‌کنانی پنبه‌اش را می‌زند

ریسمان‌تابی یکی دیگر از کارخانه‌های راهبردی است که کوزه‌کنانی وارد مشهد می‌کند؛ کارخانه‌ای که طبق گزارش روزنامه «آزادی»، توانایی تبدیل روزانه تا سه هزار خروار پنبه به ریسمان و بافت روزانه شصت توپ متقال را دارد. زمان ورود این تجهیزات، هنوز امتیاز رسمی از مجلس صادر نشده، اما کوزه‌کنانی این ریسک بزرگ تجاری را به جان می‌خرد. جریده «اطلاعات» در شهریور ۱۳۰۵ خبر می‌دهد که این بازرگان چهار دستگاه کارخانه بزرگ را با تمام لوازم یدکی وارد کرده است و تقاضای امتیاز انحصاری بیست‌وپنج‌ساله دارد. این امتیاز با دیگر کارخانه او مرتبط است. پیش از این، او کارخانه پنبه‌پاک‌کنی را در بیرون دروازه ارگ مشهد به راه انداخته است و پنبه‌ها را با عدل‌بندی استاندارد و نخ‌تابی آماده صادرات می‌کند؛ کارخانه‌ای که تا سال ۱۳۱۱ فعال است و بار پنبه مزارع اطراف را فراوری می‌کند. اسناد ملی نشان می‌دهد با آنکه کارخانه بیرون از محدوده شهر قرار دارد و باید از پرداخت عوارض شهری معاف باشد، مأموران قپانداری بلدیه از آن عوارض مطالبه می‌کنند؛ اجحافی که اعتراض شدید و رسمی کوزه‌کنانی را به دنبال دارد.

اتومبیل‌هایی که دیگر راهی خارج نمی‌شوند!

با ورود نخستین اتومبیل‌ها به مشهد، نه کسی از سازوکار پیچیده آن‌ها سر درمی‌آورد و نه تعمیرکاری هست که آچار به دست بگیرد. خودروها وارد می‌شوند، اما با کوچک‌ترین نقص فنی از کار می‌افتند و زمین‌گیر می‌شوند. نبود مکانیک و قطعه یدکی، به کابوس مالکان خودرو بدل می‌شود. کوزه‌کنانی که در شناسایی خلأهای اقتصادی چشمی تیزبین دارد، این بار هم این حلقه گمشده شهری را کشف می‌کند.
طبق گزارش جریده «آزادی»، کارخانه تعمیر اتومبیل و سایر ماشین‌آلات یکی دیگر از تأسیسات سودمند کوزه‌کنانی است که در خارج دروازه ارگ (در محل سابق دارالمجانین) پامی‌گیرد. در این تعمیرگاه مدرن، انواع خودروها، موتورها و ماشین‌آلات صنعتی خراب بازسازی می‌شوند و شهر از فرستادن دستگاه‌های آسیب‌دیده به خارج از کشور بی‌نیاز می‌شود.

جرقه‌ای که به شعله نرسید

کوزه‌کنانی خوب می‌داند کبریت، کالای کوچکی است که نبض زندگی روزمره مردم را در دست دارد. در آن سال‌ها، دکان‌های خراسان پر از کبریت‌های روسی، اتریشی و تبریزی است و مبالغ هنگفتی برای خرید این جعبه‌های گوگرد از منطقه خارج می‌شود. حاج کاظم که نمی‌تواند این وابستگی تجاری را نظاره کند، در سال ۱۳۱۳ خورشیدی عزمش را جزم می‌کند تا کارخانه کبریت‌سازی مدرنی در مشهد برپا کند.
او می‌خواهد با چوب و گوگرد در دسترس خراسان، محصولی مرغوب بسازد و بازار شرق کشور را تأمین کند. تقاضانامه‌اش را به اداره صناعت می‌فرستد و چشم‌انتظار دریافت موافقت می‌ماند. اما کارخانه کبریت در پیچ‌وخم دیوان‌سالاری پایتخت و موانع ناشی از قانون انحصار کبریت زمین‌گیر می‌شود. نامه‌نگاری‌ها ماه‌ها پشت درهای بسته معطل می‌ماند و دست‌اندازهای اداری مجالی به او نمی‌دهد. سرانجام این ایده صنعتی پیش از آنکه ماشین‌آلاتش به مشهد برسد، روی کاغذ خاموش می‌شود تا نام کارخانه کبریت‌سازی نیز در ردیف رؤیاهای ناتمام حاج کاظم ثبت شود.

منابع:
پیشگامان اقتصادی و کارآفرینی در مشهد تألیف دکتر علی نجف‌زاده
بررسی فعالیت‌های اقتصادی تجارت‌خانه کوزه‌کنانی و چالش‌های آن، نجف‌زاده- براقی
اخبار خراسان در دوره پهلوی اول پژوهش سیدمهدی سیدقطبی
مرکز اسناد آستان قدس رضوی
سازمان اسناد ملی ایران

تاریخ نگار

شرح ساخت زیرگذر و میدان استقلال در سی و سومین سالگرد افتتاحش

تولد دومین تقاطع غیرهم‌سطح مشهد

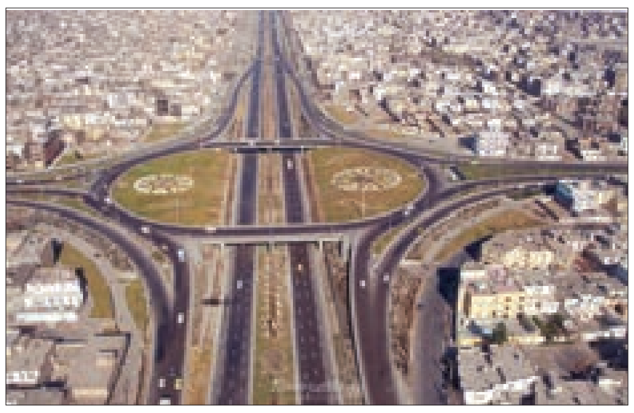

زیرگذر و پل میدان استقلال زمانی احداث شد که هنوز بولوار میلاد یا همان استقلال کنونی کشیده نشده بود و بیشتر خیابان‌های شهر یک‌طبقه بودند؛ یعنی تقاطع‌های غیرهم‌سطح هنوز در شهر شکل نگرفته بودند. به مناسبت سالگرد افتتاح تقاطع غیرهم‌سطح استقلال، به سه دهه پیش سفر می‌کنیم تا فرایند ساخت و افتتاح این میدان با پل‌های خاطره‌انگیز و زیرگذرهای عابرپیاده متعدد آن را روایت کنیم. اطلاعات این گزارش با همکاری شیرین سیدی، محمد زائرنیا و با کمک سامانه جامع مرکز اسناد تاریخ و توسعه شهری شهرداری مشهد گردآوری شده است.

مقدمه‌ای بر فرایند رشد شهر در مسیر غربی

سال‌های پس از جنگ تحمیلی هشت‌ساله، سال‌های سازندگی نام گرفته و فعالیت‌های عمرانی در کشور و به‌تبع آن در مشهد افزایش یافته بود. در همین دوره، مشهد هم در گستره جغرافیا و هم در جمعیت به‌سرعت رشد می‌کرد؛ به همین سبب، گسترش شبکه‌های ارتباطی برای آن امری ضروری بود. این دلایل موجب شد در سال‌های نخست دهه ۷۰، چندین و چند تقاطع غیرهم‌سطح در مشهد پدید آید. حالا که بیش از سه دهه از آن سال‌ها می‌گذرد، این سازه‌های شهری خود در حال تبدیل شدن به خاطره جمعی مشهدی‌ها و بخشی از هویت شهری هستند. به‌ویژه برای مشهدی‌هایی که دهه‌هاست در محلات غربی چون سجادشهر، زیباشهر و آزادشهر ساکن شده‌اند، این تقاطع‌ها خود می‌توانند راویانی برای سال‌های اولیه شهرسازی در این مناطق جوان مشهد باشند؛ امیدواریم مرور اسنادی فرایند ساخت این تقاطع، در یادآوری این خاطرات مؤثر باشد.

پروژه شاخص در ابتدای دهه ۷۰

بنا بر آنچه روزنامه خراسان روایت می‌کند، سیدعباس امیری‌پور که از آبان ۱۳۷۱ شهردار مشهد شده بود، در نشست خبری هفته دولت و در دومین سال حضورش در این سمت، از اختصاص ۸۷۰ میلیون تومان برای تکمیل ۲۷ پروژه نیمه‌تمام خبر می‌دهد. امیری‌پور همچنین می‌گوید که در هفته پیشِ رو، شش پروژه عمرانی بهره‌برداری خواهد شد که شامل؛ میدان استقلال و پل بزرگ زیباشهر، پل زیرگذر مقابل پارک ملت، مجتمع تجاری ارگ، بولوار و پل هاشمیه، زیرگذر مقابل سه‌راهی کوکا و ساختمان چهارطبقه در ابتدای بولوار آب و برق است.
مهم‌ترین این پروژه‌ها تقاطع غیرهم‌سطح استقلال است که در روز میلاد پیامبر اسلام(ص) و امام جعفر صادق(ع)، برابر با شنبه ۱۳شهریور ۱۳۷۲، با حضور حجت‌الاسلام واعظ طبسی، تولیت فقید آستان قدس رضوی، اسماعیل مفیدی، استاندار وقت خراسان، تنی چند از امامان جمعه خراسان، نمایندگان مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی، شهردار مشهد و جمعی دیگر از مقامات انتظامی، استانی و شهری به بهره‌برداری می‌رسد. حضور این مقامات نیز خود گویای اهمیت این پروژه است. پل بزرگ زیرگذر زیباشهر و میدان استقلال در مسیر کمربندی جاده آسیایی مشهد قرار داشت و تردد در این ورودی شهر را که از مسیر جاده قوچان و شمال کشور بود، تسهیل می‌کرد. از سوی دیگر، این پروژه پس از تقاطع غیرهم‌سطح پنجراه پایین خیابان و میدان عدالت، دومین تقاطع غیرهم‌سطح مشهد تلقی می‌شود. امیری‌پور، برابر آنچه در روزنامه توس منتشر شده است، در مراسم افتتاح درباره اهمیت این پروژه می‌گوید: «با بهره‌برداری از این پروژه، بخش عظیمی از ترافیک بولوار وکیل‌آباد کاهش می‌یابد و همچنین با بهره‌برداری از ۴۵متری آزادشهر [بولوار استقلال کنونی] که اکنون در حال اقدام است، ترافیک سنگین بولوار وکیل‌آباد شکسته می‌شود.» (روزنامه قدس، ش ۱۴۴۵) این پروژه، چنان‌که اکبرزاده، معاون وقت فنی و شهرسازی شهرداری مشهد گفته بود، همچنین بخشی از پروژه کمربندی صدمتری مشهد بود که از پیچ قوچان و فلکه آزادی تا میدان جهاد مشهد را شامل می‌شد و ۳۳ تقاطع داشت.

از آغاز تا پایان، روندی پر افت و خیز

ساخت زیرگذر میدان استقلال از مهرماه ۱۳۶۹ که علی‌اکبر صابری‌فر دوره دوم شهرداری‌اش را می‌گذراند، آغاز شد. چنان‌که روزنامه قدس در مراسم افتتاح این پروژه نوشته است: «مدت زمان اجرای آن دو سال پیش‌بینی شده بود؛ علت تأخیر یک‌ساله پروژه، جابه‌جایی تأسیسات شهری از جمله شبکه‌های آب، برق و مخابرات بود.» به همین سبب نیز اعتبار اولیه پروژه که ۶۳۰ میلیون ریال برآورد شده بود کفاف نداد و سرانجام این پروژه با یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال اعتبار به پایان رسید؛ به‌نحوی که طی ۱۰ روز انتهایی کار، بنا به گفته امیری‌پور «با بسیج کلیه امکانات فنی و اجرایی شهرداری و فعالیت شبانه‌روزی، ۲۰ درصد باقی‌مانده پروژه به اتمام رسید، در حالی که ۸۰ درصد کار طی سه سال انجام شد.»

گذرگاه استقلال در یک نگاه

شاید دو ویژگی فضای سبز و زیرگذرگاه‌های عابر پیاده میدان استقلال، بارزترین جلوه‌های این تقاطع باشد. سه هکتار از مساحت هشت‌هکتاری این پروژه، زیر پوشش فضای سبز شامل چمن، بوته و درختکاری و غرس درختچه‌های زینتی قرار گرفت. همچنین هشت راهروی چهارمتری با ارتفاع ۳/۲ متر برای عابران پیاده ساخته شد، چهار رمپ ویژه تردد معلولان و سالمندان ایجاد گردید و پله‌ها در نقاط مرتفع نرده‌گذاری شد تا تردد امن برای عابران فراهم شود. این شبکه گذرگاه‌های زیرزمینی در زمان خود، پدیده‌ای نو در شهر بود.
این پروژه دارای دو پل روگذر، هریک به طول شصت متر با دو دهانه سی‌متری در وسط و دو دهانه ۱۰ متری در طرفین به ارتفاع پنج متر برای عبور مستقیم و تفکیک ترافیک تندروی شهری بود؛ همچنین یک میدان در سطح و در اطراف آن ایجاد و چهار راست‌گرد نیز برای آن اجرا شد.
بنا بر اطلاعات معاونت عمران، حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری مشهد، زیرگذر استقلال ۱۵۰۰ متر از محور اصلی کمربندی مشهد را در بر می‌گرفت و در آن ۳۶۰۰ متر رمپ و لوپ‌های ارتباطی نیز اجرا شد. عرض محور اصلی شامل دو باند عبور چهارده‌متری در هر طرف و دوازده متر آیلند (میانه) بود. متوسط عرض رمپ‌ها و لوپ‌ها نیز حدود بیست متر در نظر گرفته شده بود و پروژه با کمک ۱۴۴ شمع به طول مجموع ۲۹۶۰ متر اجرا شد. این اقدامات با تسهیل تردد در ورودی شمال غربی مشهد، درگاهی سبز برای آن رقم زد.